

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۵

هزار و سیصد و هشتاد و هشت - نیمسال اول

مقالات

- تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها
 - تحول قاعده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای
 - مطالعه تطبیقی ماهیت و مبنای مسئولیت متصدیان حمل و نقل
 - استقلال قاضی در نظام قضایی ایران در پرتو تحولات قانون‌گذاری
 - راهکار تعقیب متهمان به جنایات جنگی در غزه بر اساس گزارش گلدستون
 - آغاز رویکرد غیرتاریخی به حقوق اساسی در ایران
 - قلمرو استدلال قیاسی با نقدی بر روش‌شناسی قیاس جزایی در فقه
 - انعقاد معاهدات معاضدت قضایی در نظام حقوقی ایران
 - نگرشی تطبیقی بر مالکیت در فقه اسلامی و حقوق غرب
 - اجرای تعهدات بین‌المللی در نظام قضایی ایران: محدودیت‌ها و ظرفیت‌ها
- موضوع ویژه: جایگاه و کارکرد سازمان‌های غیردولتی در نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی
- درآمدی بر موضوع ویژه
 - وضعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران
 - تعامل سازمان‌های غیردولتی با سازمان جهانی تجارت
 - تأثیر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بر حقوق داخلی با تأکید بر عملکرد «فیفا»
 - مناسبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی در آیین‌تغییر
 - نقش انجمن‌ها در حمایت حقوقی از معلولان با نگاهی به قضیه «پروش»
 - موانع تشکیل و کارآمدی سازمان‌های غیردولتی در ایران
- ## نقد و معرفی
- قانون جرایم رایانه‌ای: نوآوری‌ها و کاستی‌ها
 - تحدید حق دادخواهی دانشگاهیان توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی!؟
 - نگاهی به تازه‌ترین دادنامه پرونده خون‌های آلوده





تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها

دکتر علی خالقی*

چکیده: مقاله حاضر به بررسی اقدام برخی از مراجع قضایی مبنی بر دستور انتشار تصویر بدون پوشش چهره متهم در روزنامه‌ها پرداخته است. در این مقاله، با توجه به سکوت قوانین در مورد جواز یا عدم جواز این اقدام، ابتدا به بیان دلایلی که ممکن است چنین دستوری را توجیه نماید، پرداخته شده و سپس به استناد برخی از اصول پذیرفته شده در نظام حقوقی ما و حکمی از قانون آیین دادرسی کیفری، اقدام مزبور نادرست و غیرقانونی دانسته شده است. با این حال، در جمع‌بندی به این نکته اشاره شده است که این ممنوعیت متوجه مراجع قضایی بوده و قانون‌گذار می‌تواند با تعیین شروط و ضوابطی معین، امکان صدور دستور انتشار تصویر متهم توسط مراجع مذکور را در قانون پیش‌بینی نماید.

کلیدواژه‌ها: انتشار تصویر متهم، روزنامه، رسانه، اصل برائت، حریم خصوصی، محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی، صلاحیت مقامات عمومی، آیین دادرسی کیفری

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اقدامات مراجع قضایی در جریان تحقیقات مقدماتی، دستگیری متهم و حفظ

akhaleghi@ut.ac.ir

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

نویسنده از آقای جمشید غلاملو، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، به جهت همکاری در تهیه برخی از داده‌های تحقیق، تشکر می‌کند.

دسترسی به او به منظور بررسی دلایل اتهام است. اهمیت این امر تا بدانجاست که در برخی جرایم، مرجع قضایی می‌تواند بدو دستور دستگیری متهم را صادر کند، بدون اینکه وی را قبلاً برای حضور نزد خود احضار نموده و متهم از این کار خودداری ورزیده باشد.^۱ دستگیری متهم تابع ضوابط حاکم بر «جلب» در قانون آیین دادرسی کیفری است^۲ و از بررسی آنها چنین بر می‌آید که جلب متهم لزوماً به معنای دستبند زدن به دستان متهم نیست و تنها در صورت خودداری وی از همراه شدن با مأمور جلب برای رفتن نزد مرجع قضایی، می‌توان اقدام به این کار نمود.^۳ در عین حال نباید فراموش نمود که «در جریان دستگیری... [باید] از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.»^۴ حفظ دسترسی به متهم نیز تابع مقررات ناظر بر قرارهای تأمین کیفری است^۵ که از مهم‌ترین قواعد آن، صلاحیت انحصاری مقام قضایی در صدور این قرارها و ممنوعیت ضابطان دادگستری از دخالت در این امر است.^۶

با این حال، نباید از نظر دور داشت که دستگیری یا جلب متهم، و سپس حفظ دسترسی به او تا پایان تحقیقات و رسیدگی، مستلزم آگاهی از محل حضور اوست، محلی که ممکن است اقامتگاه معمولی او نبوده و به محل اختفای او برای جلوگیری از دسترسی مقامات قضایی به وی مبدل شده باشد. در چنین حالتی، ابتدا باید با اقدامات لازم نسبت به شناسایی مخفی‌گاه متهم اقدام نمود تا دستگیری وی ممکن گردد. یکی از این اقدامات، که به رغم عدم پیش‌بینی در قانون، از مدتی پیش در عمل در کشور رایج گردیده، انتشار تصویر چهره متهم به طور واضح و قابل شناسایی و بدون هرگونه پوششی در روزنامه‌ها است، به این ترتیب که گاه در صفحات روزنامه‌ها چنین تصاویری

۱. این موارد که موارد جلب بدون احضار نامیده می‌شود در ماده ۱۱۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (به اختصار ق.آ.د.ک) شمارش شده‌اند. بدیهی است که در مورد این جرایم نیز رعایت ماده ۱۲۴ همان قانون که مقرر می‌دارد «قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند، مگر اینکه دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد»، ضروری است.

۲. مواد ۱۱۷ تا ۱۲۴ ق.آ.د.ک

۳. مطابق ماده ۱۲۰ ق.آ.د.ک: «مأمور جلب پس از ابلاغ برگ جلب، متهم را دعوت می‌نماید که با او نزد قاضی حاضر شود. چنانچه متهم امتناع نماید، او را جلب و تحت‌الحفظ به مرجع قضایی تسلیم خواهد نمود و در صورت نیاز می‌تواند از سایر مأموران استمداد نماید...»

۴. بند ۶ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳.

۵. مواد ۳۲ تا ۳۷ و مواد ۱۳۲ تا ۱۴۷ ق.آ.د.ک و ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱.

۶. ماده ۱۹ ق.آ.د.ک

ملاحظه می‌شود و با اعلام اینکه چاپ عکس مزبور به دستور مقام قضایی صورت گرفته است، صاحب عکس یک متهم فراری معرفی شده و از عموم مردم برای معرفی مخفی‌گاه او کمک خواسته می‌شود. در مواردی نیز مشاهده می‌شود که متهمی که تصویر او به شکل فوق با دستور مقام مذکور منتشر گردیده، قبلاً دستگیر شده ولی با احتمال اینکه او جرایم دیگری نیز علیه افرادی دیگر مرتکب شده که از اعتراف به آنها خودداری می‌کند، جهت شناسایی توسط بزه‌دیدگان احتمالی و مراجعه برای طرح شکایت خود، عکس او در روزنامه چاپ شده است.

این اقدام‌ها، که ابتدا و بیشتر در مورد متهمان به قتل عمد، آدم‌ربایی و تجاوز به عنف صورت می‌گرفت و در حال حاضر به متهمان جرایم کم‌اهمیت‌تر نظیر سرقت^۷ و کلاهبرداری^۸ نیز تسری داده شده است، ما را به کنجکاوی درباره قانونی بودن دستوری که گفته می‌شود از سوی مقام قضایی در این باره صادر شده، وا می‌دارد. از اینرو، با توجه به اهمیت موضوع، و اینکه ممکن است در آینده شاهد انتشار تصویر چهره متهمان جرایم دیگری نظیر صدور چک بلامحل یا ترک انفاق نیز باشیم، در این مقاله به بررسی ابعاد و جنبه‌های مختلف این امر و انطباق یا عدم انطباق این اقدام با موازین قانونی می‌پردازیم تا از رهگذر آن، ابهامات موجود در این زمینه برطرف شود. بدیهی است که به دلیل سابقه انتشار تصویر متهمان در نشریات مکتوب، از واژه روزنامه‌ها در عنوان مقاله حاضر استفاده شده است، ولی این امر دلیلی بر خارج ساختن سایر رسانه‌ها نظیر سیمای جمهوری اسلامی ایران یا شبکه اینترنت از موضوع بحث حاضر نیست. بنابر این، نتیجه این بحث در مورد امکان انتشار تصویر چهره متهمان در رسانه‌های مذکور نیز صادق است و می‌تواند در ارزیابی قانونی بودن چنین اقدامی نیز مورد توجه قرار گیرد.

به منظور بررسی این موضوع، ساده‌ترین روش^۹ انتخاب شده، و بر این اساس، انطباق یا عدم انطباق اقدام مذکور با موازین قانونی به تفکیک مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا در پایان به نتیجه روشنی برسیم.

بند اول: جواز انتشار تصویر متهم

نخستین رویکرد به دستور انتشار تصویر متهم در روزنامه‌ها، رویکرد تأیید انطباق آن با موازین قانونی و در نتیجه جواز آن است. این نظر، که بی‌تردید باید موضع مقامات قضایی دستور دهنده به

۷. روزنامه همشهری، دوشنبه دوم آذر ۱۳۸۸، ص ۸

۸. روزنامه همشهری، چهارشنبه نهم دی ۱۳۸۸، ص ۸

این اقدام نیز باشد، هم می‌تواند متکی به برخی مواد قانونی ناظر بر تکالیف دادسرا گردد (الف) و هم می‌تواند همراهی اداره حقوقی قوه قضائیه را با خود داشته باشد (ب).

الف) توجیه بر مبنای وظیفه کلی دادسرا

در توجیه جواز انتشار تصویر متهم می‌توان گفت که از آنجا که به موجب بند «الف» ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، اصلاحی ۱۳۸۱، دادسرا عهده‌دار تعقیب و تحقیق در مورد جرایم است،^۹ در اجرای این وظیفه خود می‌تواند برای دستگیری متهم که یکی از اقدامات اصلی در راستای تحقیقات محسوب می‌شود، دستور انتشار تصویر او در روزنامه‌ها را صادر نماید. بنابر این، چنین اقدامی، نه تنها در قانون منع نشده، بلکه اقدامی در جهت انجام وظیفه‌ای است که قانون بر عهده مراجع تحقیق گذاشته است. به دیگر سخن، طبق قاعده عقلی اذن در شیء اذن در لوازم آن است، مقامی که مجاز و مأذون در تحقیق و دستور دستگیری متهم می‌باشد، مجاز و مأذون در دستور انتشار تصویر متهم در روزنامه‌ها برای شناسایی مخفی‌گاه او جهت دستگیری او نیز می‌باشد. لازم به ذکر است که ارائه چنین توجیهی از سوی حقوقدانان برای جواز انتشار تصویر متهم در روزنامه‌ها، در هیچ منبعی مشاهده نشد و اساساً جز یکی از آنها، که بعداً به آن اشاره خواهیم نمود، کسی به مسأله مورد نظر ما نپرداخته است. مراجعه به برخی نواحی دادسرای عمومی و انقلاب تهران و مصاحبه با بعضی از قضات این دادسرا نشان داد که این اقدام بیشتر بر مبنای وظیفه کلی دادسرا در تعقیب و تحقیق جرایم توجیه می‌شود.

ب) توجیه به استناد نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه

در جریان تحقیق برای نگارش مقاله حاضر، مناسب دیده شد که نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در خصوص موضوع مورد بحث استعلام گردد. در پاسخ به این استعلام، مدیر کل امور حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۶۵۴ مورخ ۸۸/۲/۶ چنین اظهار نظر نمود: «با توجه به مقررات ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ که به صراحت اعلام می‌دارد در هر حوزه قضایی هر شهرستان، یک دادسرا در معیت دادگاه‌های آن حوزه تشکیل می‌گردد و به شرح بند الف ذیل ماده مرقوم، دادسرا عهده‌دار

۹. بند «الف» ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، اصلاحی ۱۳۸۱، مقرر می‌دارد: «دادسرا... عهده‌دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اقامه دعوا از جنبه حق‌اللهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبیه وفق ضوابط قانونی است...»

کشف جرم، تعقیب متهم به جرم و حفظ حقوق عمومی و... می‌باشد، بنابر این، به نظر می‌رسد که در جرایم خاص و با توجه به نوع اعمال ارتكابی بعضی از متهم یا متهمان که گسترده و دستگیری آنها هم برای مأمورین انتظامی آسان نبوده و یا شناسایی کامل و نشانی صحیح از آنها در دست نیست، از طرفی شکات متعدد در پرونده دیده می‌شوند و دلایل بزهکاری نیز به [نظر] قاضی رسیدگی کننده مشهود و کافی است و از طرفی اعمال ارتكابی آنها باعث خوف و هراس و اختلال در نظم جامعه را پدید آورده و در ضمن عناصر خطرناکی شناخته شده‌اند، به ناچار دادسرای رسیدگی کننده برای شناسایی افراد مذکور دستور چاپ و انتشار عکس‌های آنان [را صادر] می‌نماید که این عمل در صورت کفایت دلیل و نوع جرایم ارتكابی برای حفظ و صیانت جامعه و چنانچه بی‌غرضانه باشد، فاقد اشکال قانونی بوده و با تبصره‌های ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری اصلاحیه ۱۳۸۵ نیز در تضاد نمی‌باشد و در ضمن با توجه به دستورات مقامات قضایی که اجابت آن لازم، بلکه در اجرای آن، مطبوعات مکلف به انتشار هستند که در این حالت چنانچه طبق خواسته مقام قضایی و بدون دخل و تصرف، مطبوعات انجام وظیفه نمایند، مسؤلیتی نخواهند داشت.»

بدین ترتیب، اداره حقوقی قوه قضائیه معتقد به انطباق انتشار تصویر متهم در روزنامه‌ها با موازین قانونی بوده، و اعتقاد خود را بر مبنای وظیفه کلی دادسرا در کشف جرم و تعقیب متهم استوار می‌سازد، ولی در عین حال، ضوابطی را نیز برای اقدام به این امر مقرر می‌دارد. ضوابط اعلام شده در نظریه مذکور، که برخی از آنها مانند «جرایم خاص» فاقد ملاکی روشن است، به منظور محدود ساختن این اقدام و توسل به آن به عنوان یک استثناء، مقرر شده‌اند. هر چند که نظریات اداره حقوقی جنبه مشورتی داشته و برای قضات، و از جمله مرجع استعلام کننده، الزام‌آور نیست، ولی با این حال، تأثیر این اظهارنظرها را در عملکرد مراجع قضایی و تفسیری که آنها از قوانین ارائه می‌دهند، نمی‌توان انکار نمود و ممکن است که نظریه فوق برای برخی از مراجع مزبور به عنوان مجوز و مستندی برای صدور دستور انتشار تصویر متهم در روزنامه‌ها قلمداد گردد.

بند دوم: ممنوعیت انتشار تصویر متهم

همانگونه که پیشتر گفته شد، در میان حقوقدانان کمتر کسی به موضوع مورد بحث ما پرداخته و تنها کسی هم که به آن اشاره نموده، آشکارا بیرق مخالفت با آن را برافراشته است.^{۱۰} بدین ترتیب،

۱۰. علی خالقی، آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، پاییز

در سکوت نسبی حاکم بر دکترین، ممنوعیت انتشار تصویر متهم در روزنامه‌ها را باید متکی به دلایل زیر دانست:

الف) فقدان جواز صریح در قانون

ساده‌ترین دلیلی که برای ممنوعیت انتشار تصویر متهم می‌توان اقامه نمود، فقدان جواز صریح در قانون برای چنین اقدامی است. در واقع، در حوزه حقوق عمومی، اصل بر عدم صلاحیت مقامات رسمی است، مگر اینکه صلاحیت دخالت و اقدام در امری به آنها داده شده باشد و مقامات قضایی نیز در راستای انجام وظایف خود، تنها صلاحیت اقدام به اموری را دارند که قانون به آنها اجازه داده است. به دیگر سخن، کافی نیست که قانون به طور صریح، اقدام به انتشار تصویر متهم را منع نکرده باشد، تا از سکوت قانون، جواز آن را نتیجه بگیریم، بلکه لازم است که قانون به طور صریح، آن را اجازه داده باشد تا چنین اقدامی را مجاز بدانیم، زیرا در این حوزه اصل بر عدم اباحه است. فراموش نکنیم که اساساً فلسفه وجودی آیین دادرسی کیفری، ضابطه‌مند کردن واکنش جامعه در برابر جرم و کشیدن خط بطلان بر این نظریه است که هدف وسیله را توجیه می‌کند. بنابر این، قضات نمی‌توانند به استناد هدف خود که دستگیری متهم و تحقیق از اوست، توسل به انتشار تصویر متهم در روزنامه‌ها را به عنوان وسیله‌ای برای نیل به آن هدف، توجیه نمایند.

قاعدۀ اذن در شیء اذن در لوازم آن است نیز نمی‌تواند توجیه‌کننده چنین اقدامی باشد،^{۱۱} زیرا اصولاً محل اجرای این قاعدۀ، حوزه حقوق خصوصی است که در آن اصل آزادی اراده حاکم است. در این قلمرو، افراد آزادند که چگونه که می‌خواهند در مورد حقوق و روابط مالی خود تصمیم بگیرند و اصل اباحه نیز گستره وسیعی را فراوری اراده آزاد آنها می‌گشاید. اما، آیین رسیدگی مراجع قضایی به اتهاماتی که نزد آنها مطرح می‌شود، خارج از حوزه حقوق خصوصی بوده و قاعدۀ مذکور در آن محلی از اعراب ندارد. در آیین دادرسی کیفری، مراجع قضایی در تعیین اقدامات تحقیقی لازم در رسیدگی به پرونده، از اراده آزاد برخوردار نبوده و تابع حکم قانون‌گذار هستند.

۱۳۸۸، ص ۱۶۸.

۱۱. اگر چنین بود، ضابطان دادگستری می‌توانستند در اجرای دستور جلب متهم از سوی مقام قضایی، برای دستگیری متهمی هم که در خانه‌ای پنهان شده، به استناد همان حکم جلب وارد آنجا شده و او را دستگیر نمایند، چه در این فرض نیز ورود به منزل لازمه جلب متهم است، در حالی که می‌دانیم صدور برگ جلب مجوز ورود به منزل نیست و اگر محل حضور متهم، یک مکان عمومی نباشد و متهم از خروج از محل و همراهی با مأموران امتناع ورزد، ورود به محل مذکور مستلزم اخذ مجوز ورود از مقام قضایی است.

ب) مغایرت با اصل برائت

اصل برائت یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری و ضامن حقوق و آزادی‌های فردی است. این اصل هم از جنبه تقنین و هم در عرصه قضاء آثار و مقتضیاتی دارد. در بُعد تقنین، اصل برائت مقتضی آن است که هیچ عملی جرم محسوب نشود، مگر اینکه قانون‌گذار آن را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین نموده باشد. از این منظر، اصل برائت ریشه در اصل مهم آزادی، و استثنایی بودن مفهوم جرم دارد و بدین‌سان بستری برای استقرار و تثبیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها شده است. بر این اساس، هر عمل به ظاهر خلاف و ناپسندی باید قبلاً به وسیله قانون‌گذار جرم شناخته شده باشد تا بتوان دعوای عمومی را برای اعمال مجازات نسبت به مرتکب آن به جریان انداخت.

در عرصه قضاء، که برخی از حقوقدانان ترجیح داده‌اند در آن از فرض برائت به جای اصل برائت سخن بگویند و اصطلاح اخیر را محدود به مرحله تقنین نمایند^{۱۲}، اصل مذکور مقتضی آن است که شخصی که به عنوان متهم در یک دعوای عمومی تحت تعقیب قرار گرفته است تا زمان صدور حکم قطعی محکومیت، بی‌گناه شناخته شود. بدین ترتیب، اوضاع و احوالی مانند سابقه محکومیت کیفری، متواری بودن متهم یا حتی وجود دلایل قوی بر توجه اتهام به او، تا زمانی که پس از بحث و بررسی در جلسات دادگاه منجر به صدور حکم محکومیت کیفری متهم نگردیده و این حکم نیز در مرحله تجدیدنظر قطعی نشده باشد، نباید سبب نقض اصل برائت و گناهکار دانستن متهم گردد.

در حقوق ایران و نیز در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، هر دو جنبه اصل برائت مورد توجه قرار گرفته است، با این تفاوت که معمولاً در هنگام شناسایی و اعلام اصل برائت، جنبه دوم آن مد نظر قرار دارد^{۱۳} و تثبیت جنبه نخست اصل مذکور، در قالب معرفی اصل قانونی بودن جرایم و

۱۲. سیدمحمد قاری سیدفاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها،

تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، ۱۳۸۸، ص ۲۲۹ به بعد.

۱۳. اصل ۳۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز می‌گوید: «تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود... اصل بر برائت متهم بوده، و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.» در سطح بین‌المللی نیز، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۲ ماده ۱۴ اعلام نموده است: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی گردد، تا زمانی که بر طبق قانون جرم او ثابت نشده، حق دارد بی‌گناه فرض شود.»

مجازات‌ها صورت می‌گیرد.^{۱۴}

حال پس از این مقدمه کوتاه باید گفت که انتشار تصویر کسی که هنوز دلایل اتهام او بررسی و حکم محکومیت وی صادر و قطعی نگردیده است، و معرفی او به عنوان متهم (و یا حتی گناه مجرم) فراری، بر خلاف مقتضای اصل برائت و سبب شکل‌گیری فرض مجرمیت او در اذهان افراد جامعه خواهد شد. حق شخص بر برائت و بی‌گناه فرض شدن، اختصاص به مکان محدودی به نام دادگاه ندارد، بلکه او حق دارد که تا هنگامی که به حکم قطعی محکوم نگردیده، در فضایی وسیع‌تر و در کل جامعه بی‌گناه شناخته شده و بی‌گناه معرفی شود. مردمی که چهره بدون پوشش و قابل شناسایی متهم را در روزنامه‌ها مشاهده می‌کنند و عمدتاً از افراد عادی و غیرمتخصص هستند، قادر به تفکیک متهم از مجرم نبوده، در داوری تأثیرپذیر خود به راحتی آنگ مجرمیت را بر پیشانی وی می‌نشانند.^{۱۵} در این حال، نه تنها زدودن نقش مجرمیت او از اذهان جامعه حتی با وجود صدور حکم برائت متهم، بسیار دشوار است، بلکه بیم آن می‌رود که فشار افکار عمومی باعث خروج مقامات قضایی از طریق استقلال و بی‌طرفی گردد. متأسفانه در عمل، مواردی از نقض اصل برائت نسبت به کسانی هم مشاهده شده که مدعی بوده‌اند اساساً در روند تحقیقات نسبت به یک جرم در موضع متهم قرار نداشته‌اند و تنها تشابه ظاهری میان عکس منتشر شده در روزنامه با چهره آنها سبب دستگیری آنها شده است.^{۱۶}

ج) مغایرت با محرمانه بودن تحقیقات

معمولاً انتشار تصویر متهم در روزنامه‌ها، خواه به منظور دستگیری یک متهم فراری و خواه با هدف دعوت از بزه‌دیدگان احتمالی، در مرحله تحقیقات مقدماتی صورت می‌گیرد و در بررسی‌های عمل آمده، موردی از این اقدام در مرحله رسیدگی در دادگاه مشاهده نشد. یکی از ویژگی‌های

۱۴. در ایران، تأیید اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها با عباراتی که دلالت آنها شایسته منزلت والای این اصل در حقوق کیفری نیست، در اصول ۳۶ و ۱۶۹ قانون اساسی و مواد ۲ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی صورت گرفته است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در بند ۱ ماده ۱۵ مقرر می‌دارد: «هیچکس به خاطر فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب آن به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم نبوده، مجرم شناخته نخواهد شد.»

۱۵. متأسفانه گاه نحوه انعکاس موضوع در روزنامه‌ها به شکلی است که ذهن خوانندگان را به سوی این نتیجه هدایت می‌کند که به واقع با یک «مجرم»، نه «متهم» روبرو هستند. برای نمونه، نگاه کنید به خبری که در صدر صفحه یکی از روزنامه‌ها به چاپ رسیده، و طی آن، ضمن انتشار تصویر چهره متهم، عنوان «این مرد برادرش را کشته است» در بالای عکس درج شده است. (روزنامه اعتماد، چهارشنبه شانزدهم دی ۱۳۸۸، ص ۱۱)

۱۶. روزنامه خراسان، یکشنبه سیزدهم اردیبهشت ۱۳۸۸، ص ۱۳.

تحقیقات مقدماتی نیز محرمانه بودن تحقیقات است که با غیرعلنی بودن آن متفاوت است. در شکل سنتی نظام دادرسی تفتیشی، تحقیقات حتی نسبت به خود متهم نیز جنبه محرمانه داشت، به این معنا که متهم از اقدامات تحقیقی که مرجع تحقیق در مورد او انجام می‌داد و گاه حتی از اتهام خود آگاهی نداشت و در چنین شرایطی، دسترسی او به پرونده اتهامی خود نیز امری بی‌معنا بود. اما امروزه، تحت تأثیر اسناد بین‌المللی حقوق بشر و تحول در افکار و عقاید و شیوه‌های دادرسی، این ویژگی نظام تفتیشی تا حد زیادی تغییر نموده و به شکل سابق باقی نمانده است. اقداماتی همچون تفهیم اتهام به متهم، اعلام داشتن حق سکوت و یا دست کم قبول سکوت متهم در برابر سؤالات و عدم اجبار او به پاسخگویی، ابلاغ قرارهای مرجع تحقیق به متهم و نظایر آنها نمونه‌هایی از فاصله گرفتن تحقیقات مقدماتی معاصر از شکل سنتی نظام دادرسی تفتیشی است.

در گذشته، هدف از محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی در نظام دادرسی تفتیشی، بی‌اطلاع نگاه داشتن متهم به منظور غافلگیر ساختن او در وقت مناسب بود که امروزه با هدف کشف حقیقت و اعطای حقوق دفاعی لازم به متهم، سازگار نیست. در حال حاضر، منظور از محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی، ممنوع بودن انتشار اطلاعات آن است و در این معنا، محرمانه بودن توسط مرجع تحقیق نیز باید رعایت شود. به دیگر سخن، هیچکس نمی‌تواند قبل از صدور قرار نهایی مرجع تحقیق، اطلاعاتی را که به عنوان مقام قضایی، وکیل، کارشناس یا شاهد از پرونده به دست آورده افشاء سازد.^{۱۷} هدف از محرمانه بودن نیز رعایت اصل برائت و جلوگیری از انتشار خبر اتهام متهم است که گاه حتی با صدور قرار منع تعقیب نیز قابل جبران نخواهد بود، امری که با غیرعلنی بودن تحقیقات تا حدی تأمین و با این ویژگی تکمیل می‌شود. همچنین گفته شده که محرمانه بودن تحقیقات، مانع آگاهی یافتن مرتکب متواری یا اشخاص مظنون به ارتکاب جرم از اقدامات تحقیقی شده، از ورود لطمه به تحقیقات جلوگیری می‌کند.^{۱۸} با این توضیحات باید گفت که انتشار تصویر متهم در روزنامه‌ها، که معمولاً همراه با ذکر نام و موضوع اتهام وی صورت می‌گیرد، به منزله انتشار برخی اطلاعات مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی و بر خلاف اصل محرمانه بودن تحقیقات است و موجب عدم تأمین اهدافی خواهد شد که در پرتو این اصل مورد نظر بوده است.

متأسفانه در قوانین ما از محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی سخن به میان آمده است، بدون اینکه

۱۷. بر طبق ماده ۶۴۸ ق.م.ا: «اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان، و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.»

18. Jean Pradel, *Procédure pénale*, 12e éd., Paris, Cujas, 2004, p. 452.

مفهوم و مقتضای آن روشن گردد. همین امر، سبب بروز ابهام در قانون و اختلاف در تفسیر آن شده است و در این میان، نگاه‌ها کمتر به ناسازگاری انتشار عکس متهم در روزنامه‌ها با اصلی که قلمرو آن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، جلب می‌شود.

د) نقض حریم خصوصی

حریم خصوصی یکی از ابعاد کرامت انسانی و لازمه تأمین امنیت و آرامش فرد در جامعه است. حریم خصوصی، در واقع، قلمرو معینی از زندگی شخصی هر کسی است که متعلق به خود اوست، دیگری حق تعرض به آن را ندارد و او نیز مایل نیست که دیگران به آن حوزه وارد شوند. در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان حریم خصوصی را دارای دو جنبه مادی و معنوی دانست، و بر این اساس، تمامیت جسمانی فرد و اشیاء و اماکن متعلق به او را مربوط به بُعد مادی حریم خصوصی او، و ارتباطات و اطلاعات مربوط به وی را متعلق به بُعد معنوی حریم خصوصی وی محسوب نمود. هنگامی که سخن از حریم خصوصی اطلاعات یک شخص به میان می‌آید، منظور «مصون بودن داده‌های مربوط به حوزه‌ای از زندگی انسان‌هاست که نوع بشر انتظار دارد که سایرین بدون اجازه وی بدانها دسترسی نیافته و آنها را مورد پردازش قرار ندهند»^{۱۹} به دیگر سخن، آن دسته از اطلاعاتی که عرفاً کسی مایل نیست که دیگران بدون اجازه او از آنها مطلع گردند، مانند میزان درآمد ماهانه، میزان موجودی حساب‌های بانکی، مصائب و مسائل خانوادگی، بیماری‌های جسمی یا روحی مورد ابتلای وی و... داخل در حریم خصوصی او به شمار می‌روند.

به نظر می‌رسد که عرفاً اشخاص در صورت متهم شدن به ارتکاب جرم، مایل نیستند که همگان از آن مطلع شوند و اطلاعات مربوط به این زمینه، اعم از اصل اتهام و موضوع آن را، جزو اطلاعات شخصی و حریم خصوصی خود می‌شناسند. راست است که گردش آزاد اطلاعات ایجاد می‌کند که وقتی وقوع جرایم در سطح جامعه، منافع عمومی را مورد لطمه قرار داده و سبب جلب توجه اذهان عمومی شده است، رسانه‌ها نیز با انتشار خبر و گزارش در این زمینه اقدام به اطلاع‌رسانی به مردم نمایند، اما به دلیل لزوم رعایت حریم خصوصی افراد، رسانه‌ها باید خود را در رعایت حقوق اشخاص مظنون متعهد بدانند، به گونه‌ای که می‌توان گفت که حق رسانه‌ها بر اطلاع‌رسانی در امور کیفری، به دلیل تراحم با حقوق اشخاص قابل تحدید است. بنابر این، درج و انتشار این اطلاعات در روزنامه‌ها، بدون آنکه قانون صریحاً اجازه این کار را داده باشد، نقض حریم

۱۹. حمیدرضا اصلانی، حقوق فناوری اطلاعات، تهران، میزان، ۱۳۸۴، ص ۹۲.

خصوصی افراد محسوب می‌شود و مقامات عمومی نیز مجاز به تجویز چنین اقدامی نیستند. در کشورهای اروپایی، موضوع انتشار تصویر متهم توسط روزنامه‌ها به عنوان نقطه تلاقی و تزاخم دو حق اساسی شهروندان، یعنی حق آزادی بیان از طریق رسانه‌ها و حق افراد بر حریم خصوصی‌شان، مورد توجه قرار گرفته است و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، به عنوان مرجع ناظر بر رعایت این حقوق در کشورهای عضو کنوانسیون، نشان دهنده شناسایی تقدم حق اخیر در این چالش است. به عنوان نمونه می‌توان به پرونده شخصی به نام «الف» علیه دولت نروژ اشاره نمود که در سال ۲۰۰۹ منجر به صدور رأی در این زمینه شد. در این پرونده، همزمان با اتمام مدت مجازات «الف» و آزادی وی از زندان به دلیل محکومیت به ارتکاب قتل عمد و تهدید با چاقو، دو دختر جوان مورد تجاوز قرار گرفته و به قتل می‌رسند. با توجه به اینکه واقعه مذکور در منطقه محل رفت و آمد «الف» رخ داده بود، یک روزنامه محلی^{۲۰} با انتشار گزارشی همراه با چاپ تصویری بزرگ، ولی تا حدودی تار، از وی و ذکر جزئیاتی از هویتش او را به عنوان مظنون اصلی این جنایات معرفی نمود. «الف» پس از ۱۰ ساعت آزاد گردید و متعاقب آن دو مرد دیگر مجرم به ارتکاب این جنایات شناخته شدند. در پی این امر، «الف» از اقدام آن روزنامه به دادگاه محلی شکایت کرد، اما دادگاه با این استدلال که چاپ گزارش حق روزنامه بوده و مردم حق داشته‌اند که از روند تعقیب و تحقیق مرتکبین مطلع گردند و این اقدام نیز در جهت منافع عموم صورت پذیرفته است، شکایت شاکی را رد کرد.

«الف» پس از ناکامی در مراجعه به مراجع قضایی ملی، از نقض حق خود به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت نمود و نظر دیوان خلاف رأی دادگاه محلی ابراز گردید. دیوان استدلال نمود که بی‌تردید مطبوعات حق انتقال اطلاعات به عموم را دارند و متقابلاً حق عموم نیز دریافت چنین اطلاعاتی است، اما این معادله نمی‌تواند اظهارات وهن آور علیه «الف» و لطمات وارد شده به او را توجیه نماید. در واقع، «الف» با اقدام روزنامه در چاپ تصویر و افشای هویتش تحت تعقیب کیفری قرار گرفت و گزارش روزنامه به نحو نادرستی این ایده را که واقعیت‌ها و اماره‌های قوی در انتساب اتهام به «الف» وجود دارد، تقویت و منتقل نمود. دیوان در نهایت نتیجه گرفت که روزنامه با نقض ماده ۸ کنوانسیون^{۲۱} به حیثیت و حرمت شاکی صدمه جدی وارد نموده و به ویژه کرامت

20. Foedrelandsvennen

۲۱. مطابق این ماده: «۱. هر کس حق دارد که حرمت زندگی خصوصی و خانوادگی، منزل و مکاتبات وی حفظ شود. ۲. در اعمال این حق، مقامات عمومی هیچ مداخله‌ای نخواهند کرد، مگر اینکه بر طبق قانون بوده و در یک جامعه دموکراتیک، در جهت امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، برای پیشگیری از بی‌نظمی یا ارتکاب جرایم،

روانی و اخلاقی وی و زندگی خصوصی‌اش را مورد آسیب قرار داده است.^{۲۲}

ه) ممنوعیت صریح قانونی برای مورد خفیف‌تر

دلایلی که پیشتر برای نشان دادن ممنوعیت انتشار تصویر متهم در روزنامه‌ها ارائه شد، مبتنی بر اصول و مفاهیم کلی بودند که سازنده هر نظام حقوقی بوده و قوانین و مقررات مدون در راستای صیانت از آنها وضع می‌گردند. استمداد از این اصول به دلیل سکوت قوانین کنونی در خصوص موضوع مورد بحث و فقدان حکم صریحی در این باره است و تأثیر آنها در اثبات مدعا نیز بستگی به میزان و قلمرو اعتباری دارد که برای این اصول قائل می‌شویم. با این همه، اگر چه در ق.آ.د.ک این اقدام صریحاً تجویز و یا منع نگردیده است، اما ممنوعیت صریح قانونی برای اقدامات دیگری وجود دارد که تأثیر آنها در شناسایی متهم کمتر از تأثیر انتشار تصویر چهره اوست ولی با این حال، این اقدام منع گردیده و این ممنوعیت دلالت بر ممنوعیت انتشار تصویر متهم نیز دارد.

در این باره کافی است که به تبصره ۱ ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک، اصلاحی ۸۵/۳/۲۴، توجه کنیم که مقرر می‌دارد: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی‌عنه باشد، منتشر نمایند...» از این تبصره چنین معلوم می‌شود که وقتی درباره متهمی که پس از جمع‌آوری دلایل در پایان تحقیقات مقدماتی و صدور قرار مجرمیت توسط یک مقام قضایی (بازپرس) و موافقت یک مقام قضایی دیگر با این قرار و اظهارنظر بر کفایت ادله اتهامی (دادستان)، کیفرخواست علیه او صادر گردیده و جلسه رسیدگی به اتهام نیز به طور علنی برگزار می‌گردد، باز رسانه‌ها که مجاز به انتشار جریان رسیدگی هستند، از ذکر نام یا مشخصات معرف هویت متهم ممنوع گردیده‌اند، به طریق اولی چنین ممنوعیتی برای انتشار تصویر متهمی نیز که در مراحل اولیه تحقیق، توسط بازپرس به عنوان مظنون یا متهم شناخته شده است، وجود دارد، چرا که تصویر بدون پوشش چهره متهم نیز به وضوح معرف هویت فردی اوست. بدیهی است که این ممنوعیت مستقیماً ناشی از حکم قانون‌گذار است و ایجاد یا رفع آن در اختیار مقام قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده قرار داده نشده است تا وی مجاز باشد که در چارچوب اختیارات خود و با مسئولیت خویش، دستوری بر خلاف حکم تبصره ۱ ماده ۱۸۸ صادر نماید.

حمایت از بهداشت یا اخلاقیات، یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران لازم باشد.»

22. A. v. Norway, ECHR, judgment of 9 April 2009. Available at <http://sim.law.uunl/SIM/case law/hof.nsf>

نتیجه

از آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که دستور مراجع قضایی مبنی بر انتشار تصویر بدون پوشش چهره متهم در رسانه‌ها، و از جمله روزنامه‌ها، اگر چه صریحاً در قانون منع نشده، اما به دلایل یاد شده مجاز نیست. در حوزه اختیارات مقامات عمومی، و از جمله اقدامات مراجع قضایی مسؤول تحقیقات، عدم تجویز به معنای ممنوعیت است و دلالت بر اباحه یا اختیار مقامات مذکور ندارد. استناد به وظیفه کلی قضات تحقیق در کشف جرم و تحقیق از متهم نیز نمی‌تواند توجیه کننده تمام روش‌هایی باشد که ممکن است آنها را در انجام این وظیفه یاری نماید. فراموش نکنیم که کوتاه‌ترین راه همیشه بهترین راه نیست و قاضی تحقیق در پیمودن مسیر تحقیقات ملزم به رعایت علائم هشدار دهنده‌ای است که قانون آیین دادرسی کیفری در مسیر او قرار داده است. در خصوص جواز یا ممنوعیت انتشار تصویر متهم نیز، علاوه بر اصول کلی نظام حقوقی که نور آنها مسیر فراروی قاضی تحقیق را روشن نموده است، تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری نیز دلالت قوی بر ممنوعیت چنین اقدامی دارد. متأسفانه اداره حقوقی قوه قضائیه که در نظریه مشورتی خود رأی به جواز چنین اقدامی داده است، بدون تأمل کافی در همه ابعاد موضوع و با شتابزدگی، تنها به وظیفه کلی دادسرا در کشف و تعقیب جرایم استناد و بدان وسیله نظر خود را توجیه نموده است. بدیهی است که این نظریه، که حتی در تنظیم صحیح عبارات متن آن دقت کافی صورت نگرفته است، صرفاً جنبه مشورتی داشته و برای مراجع قضایی لازم‌الاتباع نیست.

در چنین وضعیتی، تکلیف ضابطان دادگستری و رسانه‌ها نیز روشن است. به دیگر سخن، وقتی که مقام قضایی از صدور دستور انتشار تصویر متهم ممنوع است، ضابطان دادگستری نیز که از اختیارات کمتری برخوردارند، نمی‌توانند برای تسهیل دستگیری متهم، دستوری در این خصوص خطاب به رسانه‌ها صادر کنند. رسانه‌ها نیز در گزارش‌هایی که از وقایع روز منتشر می‌کنند، مجاز به انتشار تصویر قابل شناسایی از چهره متهم نیستند، زیرا هر چند که اصل بر این است که رسانه‌ها در بیان واقعیات و مطالب خود آزادند، اما این حق، حقی مطلق و بدون قید و شرط نبوده، و در مواردی مقید و محدود می‌گردد.^{۲۳}

۲۳. در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز، بعد از اینکه بند دوم ماده ۱۹ اصل آزادی بیان، اعم از آزادی جستجو، دریافت، و انتشار اطلاعات و عقاید را مورد شناسایی قرار می‌دهد، بند سوم همان ماده اضافه می‌کند که «اعمال آزادی‌های مقرر در بند دوم این ماده، با رعایت تکالیف و مسؤولیت‌های خاصی صورت خواهد گرفت و از اینرو ممکن است تابع محدودیت‌های معینی گردد که صریحاً به موجب قانون مقرر شده و برای تأمین اهداف زیر ضروری باشد:

با این همه، باید بر این نکته تأکید نمود که ممنوعیت دستور انتشار تصویر چهره متهم، متوجه مقامات قضایی و انتظامی مسؤول تحقیقات و رسانه‌ها است و رفع این ممنوعیت از طریق تجویز صریح آن توسط قانون‌گذار امکان‌پذیر است. این بدین معناست که اصولی که مانع از انتشار تصویر متهم در رسانه‌ها می‌گردد، اصولی مطلق نبوده و قانون‌گذار می‌تواند به دلیل تأمین منافع عمومی و به لحاظ ضرورت تحقیقات، آنها را محدود ساخته و صدور دستور انتشار تصویر متهم را برای مراجع قضایی مجاز اعلام نماید. بنابر این، در حال حاضر که لایحه آیین دادرسی کیفری در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است، نمایندگان می‌توانند این موضوع را مد نظر قرار داده و به منظور رفع یکی از مشکلات عملی (و از نظر ما، قابل درک) مراجع قضایی که آنها را ناگزیر به انجام اقدامی غیرقانونی نموده است، و با تعیین شروط و ضوابطی نظیر نوع جرم و اهمیت آن، مدت زمان سپری شده از آغاز تعقیب کیفری و عدم دسترسی به متهم، تعداد دفعات انتشار و نوع رسانه‌ای که باید برای این اقدام انتخاب شود و همچنین ذکر مشخصاتی که اعلام آن همراه با انتشار تصویر متهم مجاز است، قضات تحقیق را برای یافتن مخفی‌گاه متهم و دستگیری او، مجاز به صدور دستور انتشار تصویر متهم در رسانه‌ها نماید.

فهرست منابع

۱. اصلانی، حمیدرضا، حقوق فناوری اطلاعات، تهران، میزان، ۱۳۸۴.
۲. اعتماد، روزنامه، چهارشنبه شانزدهم دی ۱۳۸۸.
۳. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، پاییز ۱۳۸۸.
۴. خراسان، روزنامه، یکشنبه سیزدهم اردیبهشت ۱۳۸۸.
۵. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۸.
۶. همشهری (روزنامه)، چهارشنبه نهم دی ۱۳۸۸.
۷. همشهری (روزنامه)، دوشنبه دوم آذر ۱۳۸۸.
8. <http://sim.law.uunl/SIM/case law/hof.nsf>
9. Pradel, Jean, *Procédure pénale*, 12e éd., Paris, Cujas, 2004.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 2

Articles

- The ICC and Issue of Arrest Warrant for *Al Bashir*
- Homicide or Injury in Battle
- Research & Development in Nanotechnology and Right to Health
- Challenges of the Concept of "Combatant" in International Humanitarian Law
- Merging Commercial Companies in the Iranian Laws
- Sanction against Iranian Aviation: An Approach to the Chicago Convention

Special Issue: Challenges of Real Estate Transactions in the Iranian Legal System

- The Role of Official Documents in Real Estate Transactions
- Role of Notaries Public in Regulating Real Estate Transactions and its Legal Vacuums
- Deficiencies Caused by the Insertion of Regional rather than Actual Prices
- Advance Selling of Flats: Legal Nature and Working Procedures for Official Registrations
- Proving the Claim of Ownership: A Legal Analysis

Critique: The Draft of Iranian Commercial Code

- The Method of the Drafting the Commercial Code
- The 2005 Cabinet Draft to Modify the Commercial Code
- The 1-6 Chapters of the Commercial Draft
- The 5 & 7 Chapters of the Commercial Draft
- Independent Guarantees in the Provisions of the Commercial Draft
- Merging Companies in the Commercial Draft

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study